

مسائل علائق و روابط ادبی گرجستان و ایران

در کتاب داوید کوبیدزه

دست‌پروردگان تمدن مایه‌ور و ادبیات پرتوان گرجی از دیرباز با فرهنگ ملل همجوار و بخصوص با شاهکارهای سخنوران ایران زمین کاملاً آشنا بوده و شهر تفلیس پایتخت گرجستان که به‌قول صاحب «حدودالعالم» شهری «بزرگ و خرم و استوار و آبادان و بانعمت»^۱ بود به‌عنوان یک مرکز معتبر علم و فرهنگ در کشورهای خاور نزدیک شناخته شده بود. این وابستگی که یکی از عوامل مهم رشد علم و فرهنگ ملی گرجی بشمار می‌رود در خلال اعصار و علی‌رغم پست و بلندیها و نشیب و فرازها بین دو کشور وجود داشت و جهات مشترکی که از قرون متمادی استحکام یافته شواهد میراث سرمایه‌غنی و معنوی بین دو ملت است. به‌گفته دانشمند بزرگ و رجل اجتماعی برجسته گرجستان مرحوم آکادمیسین ای. جاواخی شوپلی^۲: فرهنگ ایران دوره اسلامی برای گرجیان نامأنوس نبوده و آنها پیوسته برای علم و هنر ایرانی احترام بزرگی قائل می‌شدند^۳.

مبحثی که همیشه مورد توجه خاص ایران‌شناسان گرجی قرار دارد روابط ادبی و فرهنگی گرجستان و ایران است. در این زمینه موفقیت‌های چشم‌گیری نصیب ن. مار، یو، آپولادزه، ک. که‌که‌لیدزه، و. پوتوریدزه، یو. مار، ا. بارامیدزه^۴ و شاگردان ایشان گردیده است.

روانشاد داوید کوبیدزه^۵ (۱۹۸۱-۱۹۰۶) در زمره دانشمندانی است که در تحقیق این مبحث بزرگ علمی حتی عظیم دارد. بصیرت اطلاع او بر منابع ادبی گرجی و فارسی، قدرتش در فهم متون کهن گرجی و فارسی و احاطه کم‌نظیرش بر دقائق شعر گرجی و فارسی از صفات مشخصه و ممتاز آن استاد بشمار می‌رفت. از آثار استاد کوبیدزه کتابهای ذیل را می‌توان ذکر کرد: مجموعه مقالات «رودکی» (به اشتراک و زیر نظر د. کوبیدزه، ۱۹۵۷)، ترجمه منظوم «بوستان» سعدی (۱۹۶۴)، «منتخبات فارسی» در دو جلد (۱۹۶۷-۱۹۶۴. چاپ دوم جلد اول - ۱۹۸۲)، مجموعه مقالات «جامی» (به اشتراک و زیر نظر د. کوبیدزه، ۱۹۶۴)، «روایات گرجی شاهنامه» جلد سوم (۱۹۷۴)، «تاریخ ادبیات فارسی» (۱۹۷۵). مجموعه تتبعات د. کوبیدزه تحت عنوان «روابط ادبی گرجستان و ایران» در سه جلد که در سالهای ۱۹۸۲-۱۹۶۹ دانشگاه تفلیس به‌چاپ رساند نام این خدمتگزار صدیق علم و فرهنگ

* این مقاله به زبان فارسی نگارش یافته و در آن تصرفی از طرف دفتر مجله نشده است. (آینده)

را در تاریخ تحقیقات مربوط به روابط ادبی گرجستان و ایران جاودانی کرده است. در جلد سوم «روابط» توجه شایانی به بستگی خلاقیت شوتا روستاولی (۷ قرون ۱۲-۱۳ میلادی) شاعر معروف گرجستان و مؤلف منظومه «پلنگینه پوش»^۸ با ادبیات ایران میندول گردیده است. مقالاتی که به این مبحث تخصیص داده شده است عبارتند از: «مسائل خلاقیت روستاولی و نظامی»، «ای. جاواخی شویلی و روابط ادبی گرجستان و ایران»، «تعبیر بعضی استعارات و ترکیبات منظومه پلنگینه پوش» و «مسائل جهان بینی شوتا روستاولی». اظهار عقیده شده است که شوتا روستاولی علاقه عمیقی به میراث ادبی سخنوران برجسته ایران مانند فردوسی و فخرالدین گرگانی داشته و همچنین با خلاقیت و خصوصیات طرز تفکر شاعرانه نظامی گنجوی به خوبی آشنا بوده است. مؤلف از طریق تطبیق و مقایسه، مرورایدبندی، نازک کاری و ترکیبات شاعرانه شوتا روستاولی، فردوسی، گرگانی و نظامی را مورد مطالعه قرار داده است. بنابر ارزیابی استاد د. کوبیدزه روستاولی در راه خودویژه ای گام برداشته که ناشی از تطور چندین صدساله کلام موزون گرجی بوده است.

منظومه گرانقدر فردوسی که به قول شادروان سعید نفیسی «مبالغه ناکرده می توان گفت که در آن دیار یکی از معروفترین کتابهاست»^۹ و ترجمه های متعدد گرجی آن (قرون ۱۸-۱۵ میلادی) همیشه مورد علاقه خاص کوبیدزه قرار داشت. فعالیت وسیع استاد در این رشته در اثر ارزنده تحت عنوان «مآخذ فارسی روایات گرجی شاهنامه» نتیجه گیری شده است. این اثر یکبار علیحده و بار دیگر در جلد اول «روابط» منتشر گردید. مؤلف بطور همه جانبه به بررسی و مطالعه شم بلافی، قدرت هنری فردوسی، فوائد لغوی «شاهنامه» و تطبیق و مقایسه روایات گرجی با متن فارسی و به ارزیابی مختصات سبک ترجمه های گرجی پرداخته است.

چنانکه گفته شد در قرنهای گذشته شاهکارهای ادب فارسی را بزرگان گرجستان به زبان گرجی ترجمه کرده اند و «برخی ازین ترجمه ها از آنجمله ترجمه ویس و رامین امروز برای تصحیح متن فارسی که در آن دست برده اند و تصرف کرده اند منتهای اهمیت را دارد»^{۱۰}. ملاحظات متعدد کوبیدزه درباره متن شناسی، فوائد لغوی ویس و رامین و ترجمه گرجی آن (قرن ۱۲ میلادی)، نتیجه گیریهای او از مقایسه دقیق متون فارسی و گرجی منظومه و ارزیابی درباره مطالعات دیگر دانشمندان در این زمینه در هر سه جلد «روابط» درج گردیده است.

«کلیده و دمنه» (انوار سهیلی) واعظ کاشفی را چند تن در طی قرون ۱۸-۱۶ میلادی به زبان گرجی ترجمه کرده اند. تحلیل این روایات، بررسی فوائد لغوی ترجمه ها و تقریظ درباره چاپ ترجمه گرجی (به اهتمام ا. بارامیدزه و پ. اینگوروقوا)^{۱۱} و تحقیقات درباره این روایات (کتاب م. تودوا)^{۱۲} در جلد دوم «روابط» درج شده است. از دیگر مطالب مندرجه در جلدهای دوم و سوم «روابط» می توان مقالات ذیل را ذکر کرد: «منابع فارسی روایات گرجی داستان بهرام گور»، «داستان چهار درویش و روایات گرجی آن»، «جامی و بعضی نکات ادبیات گرجی»، «صادق هدایت و ادبیات

گرچی». تقریظ‌هایی که به چاپ رسیده است عبارتند از: «منوچهر» (ترجمه شالوا شویلی ۱۳)، «نظم فارسی» (ترجمه قطعاتی از شاهکارهای نظم فارسی از اوستا تا آثار عبدالرحمن جامی)، «کتابی درباره روایات گرچی لیلی و مجنون» (درباره تحقیقات م. ماماتسا شویلی ۱۳)، «درباره روایات گرچی یوسف و زلیخا» (درباره کتاب ا. گواخاریا ۱۵)، «سخنی چند درباره داستانهای عامیانه فارسی و روایات گرچی آنها» (درباره کتاب ا. گواخاریا)، «کتابهای معتبری درباره زندگی و خلاقیت آخوندوف» (درباره کتابهای ق. پاگاو ۱۶).

به موازات مطالب مذکوره در جلد سوم «روابط» به انواع شعر و عروض گرچی-فارسی توجه لازم مبذول گردیده است. اصطلاحات «بیت»، «بیات»، «دو بیت»، «تخمیس»، «تجنیس»، رباعی» و غیره مورد مطالعه قرار گرفته است. تعبیر واژه‌های نامبرده در تحقیقات و نوشته‌های مربوطه گرچی نادرست به نظر می‌رسد. براساس تحلیل مآخذ لازمه و استفاده از منابع غنی نظم گرچی و فارسی تعبیر قانع‌کننده این واژه‌ها به وسیله استاد کوبیدزه ارائه شده است.

در جلد سوم «روابط» بسیاری از لغات و اصطلاحات فارسی-عربی که از دیرباز در زبان گرچی مستقر گشته و جزء لاینفک بافت زبان گرچی شده است مورد بررسی قرار گرفته است. به این مناسبت برخی از مقالات «فرهنگ تفسیری زبان گرچی» مورد تحقیق واقع شده و تصحیحات لازمه در ارزیابی کلمات مربوطه پیشنهاد شده است. این بود معرفی مختصری از مجموعه سه‌جلدی تتبعات استاد داوید کوبیدزه که به نظر حقیر در امر خطیر و شرافتمندانه بررسی ذخیره‌های فرهنگ ایرانیان و مسائل روابط ادبی دو ملت وزن و اعتبار واقعی بسیار دارد.

یادداشتها

- ۱- حدود العالم به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۶۲.
- 2— I. Javakhishvili.
- ۳- تاریخ ملت گرجستان، جلد دوم، تفلیس ۱۹۴۸، ص ۳۰۶ (به زبان گرچی).
- 4— A. Baramidze, Yu. Marr, V. Putuzidze, K. Kekelidzi, Yu. Abuladze, N. Marr.
- 5— D. Kobidze.
- ۶- رجوع کن به: جمشید گیوناشویلی، روایات گرچی شاهنامه جلد سوم به اهتمام داوید کوبیدزه مجله «آینده» سال ششم، شماره‌های ۹-۱۲، ص ۸۶۵-۸۶۳.
- 7— Shota Rustaveli.
- ۸- درباره شاعر و منظومه‌اش رجوع کن به: «پهلوان پلنگینه‌پوش» بنقل حمزه سردادور، مجله «ارمغان» شماره‌های ۸-۹، سال ۱۳۱۳؛ حمید زرین‌کوب، داستان پلنگینه‌پوش، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره چهارم سال ششم؛ جمشید گیوناشویلی - پیشگفتار.

- در کتاب «قطعاتی از منظومه پلنگینه پوش»، تبیلیس، ۱۹۶۶.
 ۹- مجله «مهر»، سال دوم ۱۸۴۷.
 ۱۰- سعید نفیسی، روابط ادبی گرجستان و ایران، مجله علمی دانشگاه تبیلیس، شماره ۱۰۸، ۱۹۶۴، ص ۵۷.

11— P. Ingoroqua.

2— M. Todua.

13— B. Shalvashvili.

14— M. Mamatsashvili.

15— A. Gvakharia.

16— K. Pagava.

سفرنامه پولاک - ایران و ایرانیان

Persien, das Land und seine Bewohner

نوشته حکیم پولاک - ترجمه کاووس جهاننداری - تهران - انتشارات خوارزمی

این ترجمه به همت مترجم زبردست آقای کاووس جهاننداری انجام شده است و به قلم ایشان اثری بسیار ارجمند در مطبوعات ایران پدید آمده است و حتماً کاری را که باید یک طبیب انجام می‌داد فردی غیرطبیب بسیار خوب از عهده برآمده است. خاصه آنکه مترجم در اصطلاحات طبی و فنی و معادلهای آنها بسیار خوب حق مطلب را ادا کرده و به اصطلاح خودمان سنگ تمام مایه گذارده است.

خواندن آن قسمت که مربوط به تعداد نفوس و وضع شهر و باغ و بیلاق و خانه و لباس و زندگی و حال مردم و سایر آداب و رسوم (بخش اول) و حکومت و دربار ناصرالدین‌شاه و مسافرت‌های مؤلف به داخل ایران و صنعت و تجارت و امثال آنهاست از نظر کلی برای هر ایرانی مفید می‌باشد.

مطالبی که دربارهٔ روش تغذیه و تربیت و علوم و فنون و گرمابه‌ها و گورستانها (بخش اول) و اوزان و مقیاس و مخصوصاً طبیب و مخدرها و زهرها و پادزهرها و داروها و گیاهان دارویی و بیماریها و امراض واگیر (بخش دوم) آمده برای طبیبها دارای فواید زیاد و حامل اطلاعات بیشمارست.

دکتر پولاک قریب ده سال یعنی از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ میلادی در ایران و از ۱۸۵۵ میلادی طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه بود. او پس از دکترلویی ارنست کلوک (Dr. L. Enest Cloquet) که در تهران فوت می‌کند طبیب مخصوص شاه شد.

دکتر پولاک علاوه بر سفرنامه چند تألیف دیگر هم دارد که نام آنها در مقدمه کتاب آمده است و احتیاج به تکرار آن نیست. او دو رساله یکی راجع به «قالی ایران»